

اشغال سرزمینی و پیامدهای فرهنگی آن (مطالعه موردی اشغال عراق)

توحید محرمی^۱

چکیده:

جنگ‌ها در طول تاریخ، پیامدهای خواسته و ناخواسته بسیاری را به همراه داشته‌اند، که تاثیر زیادی بر وضعیت حال و آینده جامعه جنگ‌زده و محیط‌های پیرامونی خود به جا گذاشته است؛ که از جمله آنها می‌توان به: آوارگی، مهاجرت و پناهندگی انبوه جمعیت، گسترش و شیوع فرهنگ خشونت و افراطی‌گری، انهدام آثار فرهنگ و تمدنی، تهدید جدی بنیان خانواده، کاهش انسجام اجتماعی و تنزل هویت جمعی با افزایش تفاوت‌های قومی و مذهبی و ناهنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی و هویت‌های برساخته مجعول ... اشاره کرد. یورش به سرزمین عراق و اشغال این کشور هم از این قاعده مستثنی نبوده و آثار و تبعات فرهنگی و اجتماعی بسیاری را به همراه داشته است که جامعه عراقی را در معرض از هم‌گسیختگی و آسیب‌های فرهنگی اجتماعی فراوان قرار داده است. همه اینها حاصل خشونت، ناامنی و ناپایداری ناشی از جنگ و اشغال این کشور است. این درحالی است که اخبار منتشره درباره پیامدهای فرهنگی اشغال عراق، اغلب به انهدام و غارت آثار باستانی این کشور معطوف بوده و کمتر به دیگر ابعاد اشغال پرداخته شده است.

در این مقاله تلاش شده، ضمن طرح برخی از پیامدهای فرهنگی و با توجه به مقوله هویت و پیامدهای ایجابی بر فرهنگ عراق در قانون جدید این کشور، ارزیابی مناسبی از پیامدهای فرهنگی ناشی از اشغال این کشور ارائه شود و به این سؤال که پیامدهای فرهنگی ناشی از اشغال عراق چه بوده است؟ پاسخ داده شود. روش تحقیق آن توصیفی-تحلیلی است، که از دیدگاه اندیشمندان حوزه امنیت فرهنگی با رویکرد سازه‌انگاران به بهره خواهیم برد.

واژه‌های کلیدی:

عراق، اشغال، فرهنگ، هویت، پیامدهای فرهنگی.

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۹/۰۱

^۱ . عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.

tohidmoharrami@yahoo.com

❖ مقدمه

امریکا با حادثه یازده سپتامبر، به بهانه‌هایی همچون مبارزه با تروریسم و دموکراسی‌سازی کشور عراق را اشغال کرد. این واقعه را که از مهم‌ترین حوادث در منطقه حساس خاورمیانه در سال ۲۰۰۳ محسوب می‌شود، بسیاری از صاحب‌نظران ذیل طرح خاورمیانه بزرگ (پرس تی‌وی ۹۳/۵/۲۶) غربی‌ها می‌دانند. طرحی که قرار بود با اهدافی همچون؛ مشارکت کشورهای خاورمیانه در ساختن یک «جامعه مدنی» در منطقه، به مورد اجراء گذارده شود (Robinson, 2004). و به تثبیت ارزش‌های سرمایه‌داری و غربی در منطقه، عراق و تغییر فرهنگ و افکار مسلمانان منجر شود.

آثار فرهنگی و اجتماعی این یورش به سرزمین عراق به گونه‌ایی بوده است که این کشور را با وجود ناهمگونی‌های قومی، نژادی و مذهبی... در معرض چالش‌های هویتی فرهنگی جدی قرار داده است. هرچند مطالعه و تحقیقات خود غربی‌ها اغلب معطوف به عناصر مادی فرهنگ بوده و خسارت‌های وارده بر آثار باستانی و غارت آنها را مدنظر قرار داده‌اند. در عراق اشغالی، در وهله اول با ترکیبی از فرصت‌ها و تهدیدهای فرهنگی روبه‌رو هستیم. تهدیدهایی همچون؛ فروپاشی دولت-ملت، در معرض خطر قرار گرفتن هویت فرهنگی، گسترش نسبی‌گرایی(تکثرگرایی)، سیطره فرهنگ غربی، افزایش تروریسم و شکاف‌های اجتماعی و ظهور منازعات قومی... و فرصت‌های ارزشمندی چون تسهیل و آسان شدن جریان اطلاعات، تبادلات فرهنگی، افزایش آزادی‌ها در فعالیت‌های دینی و اجتماعی فرهنگی و آگاهی همه جانبه در جامعه عراقی که با سقوط رژیم بعثی در عراق به وجود آمده‌اند را، در برداشته که برای نوسازی و دگرگونی فرهنگی اجتماعی جامعه عراقی بسیار مفید و مؤثر است. البته، نباید از نظر دور داشت که پیامدهای فرهنگی واقعه بزرگی مانند اشغال، براساس ارزش‌ها اهداف و مقتضیات هر جامعه مشخص می‌شود و نمی‌تواند عیناً در زمان و مکان دیگری اتفاق بیفتد و با شرایط زمان و موقعیت در مختلف جوامع، چه بسا نتایج و پیامدهای آن متفاوت باشد.

از زمان تشکیل دولت - ملت‌ها به شکل امروزی تقریباً هیچ‌گونه مداخله فرهنگی برای سرزمین تحت اشغال بدون پیش‌فرض‌های امنیتی از سوی قدرت‌ها به‌ویژه اشغال‌گران صورت نگرفته است و اساساً دستکاری فرهنگی و تغییرات هویتی با اهداف مشخصی صورت می‌پذیرفته است، به‌طوری‌که این مسئله از عناصر استعماری توسعه‌طلبانه در دولت‌های مهاجم و اشغال‌گر

محسوب می‌شود. برای مثال اشغالگر برای گسترش حوزه نفوذ و استمرار حضور بلندمدت خود، با ترویج فرهنگی خاص به وسیله توسعه فعالیت‌های رسانه‌ایی برای تحکیم هویتی برساخته و جعلی برای جامعه اشغال شده اقدام کند یا با آموزش و تربیت هدفمند اتباع و جوانان کشور اشغال شده این افراد را برای دوستدار و موافق خود برای آینده کشور اشغالی تربیت می‌کنند.

با توجه به تحولات صورت گرفته در سال‌های اشغال عراق، علی‌رغم توسعه ابزارهای نوین رسانه‌ایی شرایط پیچیده این کشور فقدان شناخت دقیق از ابعاد فرهنگی اشغال آن شده است. موجبات اشاعه روزافزون عناصر فرهنگ غربی فراهم آورده که در بیشتر مواقع بدون در نظر داشتن ملاحظات فرهنگی لازم در این کشور و همسایگانش صورت گرفته است. این فقر منابع نظری، تجربی، اندیشه‌ای و سیاستی پیرامون مباحث فرهنگی همسایگان، انجام مطالعات بیش از پیش را اجتناب‌ناپذیر و ضروری می‌سازد. و می‌طلبد که با شناخت بیشتر و عمیق‌تر درباره پیامدهای فرهنگی اشغال عراق، درک مناسبی از فرصت‌ها و تهدیدهای فرهنگی آینده برای ایران و شیعیان منطقه ارائه شود. با این حال تحقیقات و مقالات علمی حول محور اشغال عراق، هویت فرهنگی و فرهنگ شیعه دارای جستارهایی هستند که می‌توانند با موضوع این مقاله تحقیقی همسو ارزیابی شوند. بنابراین، در این مقاله تلاش شده است با توجه به مشاهدات عینی نگارنده، گزارش‌های دیگر محققان و اصول تدوین شده در قانون اساسی عراق و ارزیابی نسبی از وضعیت هویت فرهنگی پس از اشغال این کشور، پاسخ به این سؤال که پیامدهای فرهنگی ناشی از اشغال عراق چه بوده است؟ را با مراجعه به کتب، منابع و نظر متخصصان و کارشناسان مربوط پیگیری نماید. این مطالعه از نوع، کاربردی توسعه‌ای است. و روش تحقیق آن توصیفی - تحلیلی است و با توجه به اینکه شناسایی پیامدهای فرهنگی اشغال عراق سابقه قبلی ندارد این تحقیق اکتشافی خواهد بود، که از دیدگاه‌های اندیشمندان داخلی و خارجی حوزه امنیت فرهنگی با رویکرد سازه‌نگارانه بهره خواهیم برد.

مبانی نظری

چارچوب نظری و مفاهیم و اصطلاحات عملیاتی آن در این مقاله حول دو واژه اصلی فرهنگ و پیامدهای آن و اشغال سرزمینی در حوزه مطالعات راهبردی امنیتی شکل می‌گیرد:

الف) فرهنگ از جمله مفاهیمی است که، تعاریف متعددی درباره آن ارائه شده است و امروزه

صاحب‌نظران به لحاظ ماهیت فرهنگ را در دو سطح مادی و معنوی دسته‌بندی کنند، تمامی آنچه که عینی و ملموس است بخش مادی فرهنگ را تشکیل می‌دهد؛ مانند آثار هنری، دستاوردهای صنعتی، بناهای تاریخی، خط، موسیقی و... فرهنگ معنوی یا غیرمادی نیز عبارت است از عقاید و رسوم، علوم و معارف، ارزش‌ها و اندیشه‌ها، اخلاقیات، دانستی‌ها و... (روح‌الامینی، ۱۳۷۲: ۲۴). فرهنگ مادی معمولاً تحت تأثیر فرهنگ معنوی رشد می‌کند. (قیصی‌زاده، ۱۳۶۳) به بیان دیگر مفهوم فرهنگ در قالبی فراگیر؛ مجموعه‌ای از نگرش‌ها، اعتقادات، آداب و رسوم، عرف‌ها، ارزش‌ها و اعمالی را توصیف می‌کند که در هر گروهی مشترک است. گروه را می‌توان برحسب سیاست، جغرافیا، مذهب، قومیت یا برخی ویژگی‌های دیگر تعریف کرد و یکی از کارکردهای حیاتی این جلوه‌های فرهنگ گروه عبارت است از ایجاد، یا حداقل مشارکت در ایجاد هویت متمایز گروه و تأمین ابزاری که اعضای گروه بتوانند به‌وسیله آن خود را از اعضای دیگر گروه‌ها متمایز کنند (تراسبی، ۱۳۸۹: ۲۲). هنگامی که این هویت با تهدید مواجه و اشغال سرزمینی مواجه می‌شود، با امنیت ارتباط تنگاتنگی پیدا می‌کند. به‌طوری که نظریه‌پردازان امنیتی همچون باری بوزان و همکارانش در مکتب امنیتی کپنهاک در ارتباط بودن مفهوم امنیت با مفاهیمی چون هویت و فرهنگ را پذیرفته‌اند و قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت ملی و آداب و رسوم را در امنیت اجتماعی دخیل می‌دانند (بوزان، وائور و وایلد، ۱۹۹۸: ۸)، که در این تحقیق مدنظر ما خواهد بود. بنابراین ایجاد وضعیتی مطمئن، آرام‌بخش و خالی از هرگونه تهدید و تعرض، که انسان درخصوص دین، افکار، اخلاق، آداب و رسوم، باورها و ارزش‌ها، میراث فرهنگی، آثار ادبی و... تدارک دیده است و اندیشمندان مطالعات امنیتی از آن امنیت فرهنگی نام می‌برند. به عبارتی دیگر، امنیت فرهنگی موضوعی بین ثبات فرهنگی و تغییر فرهنگی است و باید به گونه‌ای سیاست‌گذاری شود که اصالت هویتی تغییر نکند و در ظواهر فرهنگی و بخش‌هایی که می‌تواند با تغییر مواجه شود آن قدر مقاومت نشود که تثبیت فرهنگی از میان برود. همچنین در حوزه‌های مفهومی، مؤلفه‌های اصلی و سطح عملکرد امنیت فرهنگی، تغییرات فرهنگی حاصل از فرهنگ‌پذیری یا تماس جوامع با فرهنگ‌های گوناگون، نتایجی را به دنبال دارد که همگون‌سازی فرهنگی و امتزاج یا همجوشی فرهنگی، از آن جمله است (آشنا، ۱۳۹۱). امنیت فرهنگی را در دو سطح داخلی و خارجی می‌توان بررسی کرد و کسی امنیت دارد که کمترین تغییر ناخواسته را در فرهنگ خودی متحمل شود و بیشترین تغییر خواسته را در حوزه

طرف انجام دهد، یعنی بیشترین تغییر مطلق در فرهنگ‌های در تماس حاصل و کمترین فرهنگ نامطلوب پذیرفته شود (همان).

البته، نباید از نظر دور داشت که، اشغال نظامی نیز همانند؛ استعمار، نظام‌های اجتماعی-سیاسی (استعمار نو)، مهاجرت‌های بین‌المللی، محتوای نظام آموزشی و رسانه‌های فرامرزی. همچنین سازمان‌ها و بنیادهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، مسابقات ورزشی، صنعت توریسم، روابط بازرگانی، سیاسی و فرهنگی کشورها، همجواری، اشاعه و... از زمینه‌های برخورد فرهنگی و فرهنگ‌پذیری به شمار می‌روند و با توجه به متغیرهایی چون تفاوت فرهنگی، شرایط و گستره برخورد، موقعیت فرادستی و فرودستی دو فرهنگ و کارگزاران، فرهنگ‌پذیری می‌تواند اشکال و پیامدهای متعددی داشته باشد. اما انطباق فرهنگی^۱، التقاط فرهنگی^۲ یا جایگزینی فرهنگی، از مواردی است که به آسانی صورت نمی‌پذیرد و با تنش، بحران و مقاومت فرهنگی روبه‌رو می‌شود (پهلوان: ۱۳۷۸، ۱۰۶-۱۰۸ و اسدی: ۱۳۸۸، ۷۰-۶۰).

ب) سرزمین اشغالی^۳، به سرزمینی می‌گویند که تحت اختیار و واپایش مؤثر نیروهای مسلح یک کشور خارجی است و شامل سرزمینی نمی‌شود که از طریق عقد قرارداد با مقامات غیرنظامی یا در پی موافقت‌نامه‌های صلح اداره می‌شود (سایت واژه‌یاب). بر اساس ماده ۴۲ مقررات اجرایی ضمیمه کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷: «قلمرو یک سرزمین هنگامی اشغال شده محسوب می‌شود که واقعاً تحت حاکمیت و اقتدار ارتش متخاصم قرار گیرد. اشغال نظامی تنها به آن بخشی از قلمرو تسری دارد که این حاکمیت و اقتدار در آن استقرار داشته و اعمال می‌شود» (زوانبرگ: ۲۰۰۴).

پیش‌فرض‌های فرهنگی اشغال عراق:

در مطالعات صورت گرفته درباره اشغال عراق (۲۰۰۳)، بیشتر بر جوانب راهبردی و سیاسی آن تمرکز شده، و به باورهای مذهبی و فرهنگی که زمینه‌های این اقدام آمریکا را فراهم کرده، کمتر توجه شده است. این درحالی است که مباحثی که پیرامون آغاز جنگ و اشغال عراق مطرح می‌شد، از تصورات، برداشتها و اعتقادات مجموعه‌ای نشأت می‌گرفت که به «مسیحیان صهیونیست» معروف بوده‌اند و برای این اشغال تفسیری مذهبی و دینی قائل بودند. به عبارت دیگر آنها اعتقاد داشتند، اشغال عراق تأکیدی است بر پیش‌گویی‌های ذکر شده در کتاب مقدس و

1. Cultural Adaptation
2. Cultural Syncret
3. Occupied Territory

این یکی از سلسله حوادثی است که قبل از بازگشت دوم مسیح موعود به وقوع می‌پیوندد. (شفیعی سروستانی: ۱۳۹۲) مسیحیان بنیادگرا^۱ و حامیان مذهبی بوش، جنگ علیه عراق و اشغال این سرزمین را تحقق پیشگویی‌های کتاب مقدس دربارهٔ آخرالزمان و بازگشت دوبارهٔ عیسی مسیح^۲، اعلام کردند یا «مورگان استرانگ»^۳ در دانشگاه ایالتی نیویورک امریکا، با بررسی دیدگاه مشوقانی چون جری فالول^۴ برای جنگ و اشغال عراق می‌گوید: به‌طور کامل و بی‌هیچ ابهامی این افراد معتقدند که ما باید به جنگ با عراق برویم تا حوادث مصیبت باری را به راه بیندازیم که موجب فراهم شدن دومین ظهور حضرت عیسی مسیح شود. جنگ با عراق، به پایان روزگار منجر خواهد شد. بنابراین امریکایی‌ها در سایه شعارهایی نظیر مبارزه با تروریسم، برقراری صلح جهانی، اعطای دموکراسی و آزادی به صورت غیرقانونی به کشور عراق لشکرکشی کرد و آن‌را به اشغال نظامی خویش در آوردند (محمدی، ۱۳۸۲).

یکسان‌سازی فرهنگی در سراسر جهان و به‌ویژه در خاورمیانه پیش فرض دیگر امریکائی‌ها در اشغال عراق بود و تنها راه رسیدن به حل اختلافات قومی - مذهبی و متعادل کردن رفتار سیاسی دولت‌ها را، دموکراتیزه کردن این کشورها می‌دانستند و به‌زعم آنها در صورت تحقق یکسان‌سازی فرهنگی، نخست حس بدبینی به غرب کاهش پیدا کرده و بازار این کشورها به محیط مناسبی برای کالاهای مدرن غربی تبدیل می‌شد (بیگدلی: ۱۳۸۵).

آثار اشغال بر عناصر مادی فرهنگ عراقی

آثار تمدنی و میراث فرهنگی هر کشور، عنصر مادی هویت فرهنگی، عصاره شخصیت وجودی و هویت فرهنگی، اعتقادی و سیاسی در تاریخ بوده و نشانگر هویت و اصالت ریشه و ارزش تاریخی هر ملتی است. اهمیت و ارزش آن به این دلیل است که سابقه تمدن و هنر در دنیا مورد علاقه و توجه بسیاری از مردم می‌باشد، به خصوص ملت‌هایی که از حیث تمدن و صنعت جلوتر هستند، بیشتر به این نکته دل‌بستگی دارند، که بدانند و بفهمند که ریشهٔ هر یک از مظاهر زندگی از چه زمان بوده و در کدام محل نشو و نما یافته است. چون سرزمین بین‌النهرین و عراق

۱. به اصطلاح راست مسیحی یا مسیحیان راست‌گرا نیز نامیده می‌شوند.

۲. بازگشت دوم حضرت مسیح در آخرالزمان بعد از طی مراحلی که در نهایت به جنگ بزرگ، ختم می‌شود از جمله اعتقادات مسیحیان بنیادگر است.

3. Morgan strong

۴. جری فالول، کشیش، بنیادگرای پروتستان و از رهبران سیاسی و مبلغان راست مسیحی است.

یکی نقاط مهم تمدنی در دنیا بوده است. همواره مورد توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران فرهنگی در جهان است.

اشغال کشور مستقل عراق توسط ائتلاف امریکایی، نشان‌دهنده شکل تازه‌ای از استعمار کشورهای ضعیف است. هدف استعمارگران در گذشته مستعمره کردن سرزمین‌های دیگران، غارت ثروت‌ها و بی‌هویت کردن و به بندگی کشانیدن ساکنان بومی مستعمرات بود. در مورد عراق هم از اهداف اولیه اشغالگران این بود که دولت و جامعه عراق را به‌طور کامل متلاشی کرده و مجدداً آن‌را براساس برنامه‌ای از پیش تنظیم شده و با اهداف درازمدت آن‌ها خوانایی داشته باشند، با هویتی جدید بازسازی کنند. از این منظر، طراحان جنگ علیه عراق به‌طور کامل و همه‌جانبه آگاه بودند که نابود کردن میراث فرهنگی و انقطاع نرم‌افزاری مردم عراق با گذشته و هویت خودشان، منجر به اضمحلال کامل عراق خواهد شد و از آن پس این کشور تبدیل به جماعت‌های قبیله‌ای و مذهبی شده و آثاری از ملت عراق باقی نخواهد ماند. البته، آنچه که برای امریکایی‌ها مهم بود تنها نفت بود و بس. به‌طوری‌که به نظر برخی از صاحب‌نظران غارت، تخریب و سوزانیدن مؤسسات فرهنگی و علمی، کاملاً به‌طور عمد و از روی قصد انجام گرفته، و ادعای نیروهای اشغالگر امریکا و انگلیس، که غارت و تخریب‌های مزبور در نتیجه اهمال بوده است پذیرفتنی نیست. اغلب مطالبی که غربی‌ها درباره پیامدهای فرهنگی اشغال عراق منتشر کرده‌اند معطوف به تخریب و از بین رفتن مظاهر تمدنی و باستانی این کشور است. البته، این مطالب در بررسی‌ها و تحقیقات نهادهای فرهنگی آنها نیز منعکس شده است. برای مثال در اوایل اشغال عراق یک تیم تخصصی از کتابخانه گنجره امریکا، ارزیابی خود را درباره از بین رفتن اسناد و کتاب سوزی در کتابخانه ملی بغداد و میزان خسارت وارده به آن‌را به شرح ذیل گزارش کرد(سایت) loc.gov/rr/amed: «بخش عمده‌ای از مقابل ساختمان کتابخانه ملی (کتابخانه قدیمی) سوخته و به شدت آسیب دیده است. دیوارها، سقف، کف، راه پله، پنجره‌ها، درب‌ها سوخته است. آرشیو بخش جمهوری سوزانده شده و به خاکستر تبدیل شده‌اند. رهبری تیم این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که نوعی دستگاه آتش‌زا برای آتش‌سوزی استفاده شده است که به احتمال زیاد در دست غارت‌گران تصادفی پیدا شده است. این تاییدی بر گزارش بازدید تیم یونسکو در ژوئن و جولای است. گزارش ژان ماری دانشجوی کارشناسی ارشد در تکریت بر سازماندهی شده بودن آتش‌سوزی در کتابخانه اشاره کرده است؛ نبیل از دانشگاه شیکاگو هم در

بازدید خود از کتابخانه و دیگر مراکز در ماه می استفاده از مواد آتش‌زا را تایید کرده است. برخی از آرشیوهای دیگر مانند اسناد وزارت کشور و دوره‌های ۱۹۲۰-۱۹۷۷ سوزانده شده بودند. دسته دیگر از مواد سوخته شده میکروفیلم‌ها بودند و ظاهراً همه میکروفیلم از روزنامه‌ها و مواد آرشیوی از آتش‌سوزی همان است که در بایگانی نابود شدند. در بخش‌های دیگری از این گزارش آمده است که بیش از ۴۰،۰۰۰ اسناد آسیب‌دیده از آب را نشان می‌دهد و در صورت ادامه این روند و نبود نظارت، به‌طور کامل از سطح زیرین گسترش خواهد یافت و موجب تضعیف آن خواهد شد. درخصوص خسارات‌های وارده به خانه نسخ خطی این بخش نسخه‌های خطی در سال ۱۹۶۲، بخشی از موزه ملی عراق در بغداد تاسیس شد و در اصل شامل ۲۵۲۶ نسخه‌های خطی بوده است و در طول سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ نسخه‌های خطی از مجموعه سراسر کشور خریداری شده و گسترش یافته است و در سال ۱۹۸۸، مجموعه نسخه‌های خطی به ۳۷،۰۸۳ رسید.»

اینکه خسارت‌های وارده بر آثار باستانی و میراث فرهنگی ناشی از اشغال عراق چه میزان بوده است درباره‌ی برآورد آن نظرات متفاوتی ارائه شده است. به نظر «زیاد منی (۲۰۱۰)» حجم خسارت‌های وارده و تخریب برنامه‌ریزی شده به مراکز و میراث فرهنگی اشغال عراق در حدود: سرقت ۱۵۰۰۰ قطعه اثر گران‌بها از مرکز موزه ملی کشور عراق، در مقابل چشمان نیروهای اشغال‌گر، سرقت بسیاری آثار گران‌بها از در سراسر عراق و دوازده هزار قطعه از مرکز باستانی نهره، آتش‌زدن، تخریب و غارت ۸۴ درصد از مؤسسات آموزش عالی کشور عراق بوده است. همچنین سرقت و انتقال آرشیو کامل یهودیان عراق به آمریکا، و نابودسازی ۶۰ درصد از کل آرشیو عثمانی/ هاشمی مخصوص سرزمین عراق از جمله این سرقت‌ها است. برای مثال یک نسخه قدیمی تورات که عمر آن به چهارصد سال می‌رسیده است، را از موزه شهر موصل سرقت کرده و به صورت برگ برگ در آورده و در غرب به فروش رسانیده‌اند. نابودی میراث فرهنگی و سرقت آثار باستانی کشور عراق که مهد تمدن بین‌النهرین است، آن‌چنان جدی و غیرقابل کتمان است که مسئولان عراقی و حتی رژیم اسرائیل به آن اذعان کرده‌اند (فارس‌نیوز، ۱۹/۲/۱۳۸۹). نویسنده کتاب جنگ‌های قرن بیست‌ویکم با تصریح به اینکه: «اشغال‌گری آمریکا سبب نابودی تاریخ عراق و غارت آثار باستانی بغداد، موصل، تکریت و ... شده است، تعداد آثار باستانی و عتیقه به سرقت رفته از این کشور را بیش از ۷۵۰۰۰ قطعه ذکر می‌کند» (پوریزدان پرست، قسمت اول: ۱۳۹۳).

جان راسل، مشاور فرهنگی وزارت امور خارجه آمریکا می‌گوید: این سرقت‌های عمده ناشی از

آن است که غارت‌گران خودسرانه حفاری می‌کنند و هرچه بیابند با خود می‌برند بدون آنکه به جایی پاسخ‌گو باشند و ما تنها وقتی از چندوچون سرقت‌ها باخبر می‌شویم که آثار باستانی به دست پلیس بیفتند یا اینکه تاجران آنها را رو کنند. به نظر راسل بیشتر این غارت‌ها در جنوب عراق صورت گرفته است. میدان‌های باستانی از قبیل «ایسین» و «امه» مثل سطح کره ماه پوشیده از حفره‌های بزرگ است. این مشکل بزرگ از به آن دلیل به‌وجود آمده که در عراق دولت مرکزی قوی برای استقرار امنیت به وجود نیامده بود تا بتواند از آثار باستانی حفاظت کند. بی‌توجهی اشغال‌گران به حفظ آثار فرهنگی و باستانی تا جایی پیش رفته بود که نیروهای امریکایی اشتباه یک اردوی نظامی را در این میدان تاریخی مستقر کرده بودند (فرارو: ۶/۶-۱۳۸۹-ت.ر: ۱۳۹۲/۱۱/۶). شبوط هم که از سوی «انستیتوی تحقیقات آکادمیک امریکا» مأموریت یافته بود که آرشیوی اینترنتی شامل عکس و مدرک و سند راه‌اندازی کند. تا تاریخ نگارش این مقاله حدود ۶۰۰ اثر گم‌شده را در این «موزه مجازی» وارد کرده است... به نظر او «موزه ملی هنر مدرن عراق» دارای مجموعه‌ای شامل ۸ هزار اثر اصیل بود، اما در حال حاضر تنها ۱۵۰۰ اثر از این مجموعه باقی مانده است (همان).

مک گوایر گیسیون از انجمن باستان‌شناسی امریکا این غارت را دو نوع می‌داند؛ نخست، حمله گروه‌های مسلح را به موزه‌ها در ساعات پس از ورود نیروهای امریکایی به بغداد که به نظر این گروه از غارت‌گران کلید خزانه این موزه که در آن بخش عمده‌ای از این مجموعه برای امانت قرار داده شده بود، را داشته‌اند. در اقدامی «بسیار حرفه‌ای» با ارزش‌ترین قطعات می‌شناختند و می‌دانستند که کدام یک را به بالاترین قیمت در بین‌المللی بازار هنر غیرقانونی را فراخوانی کنند. پس از این مرحله از غارت، گیسیون حضور غارت‌گران آماتور در محل موزه را برای سرقت یا هر آنچه چیز فوق‌العاده‌ای باقی مانده بود مرحله دوم این غارت نام می‌برد (سایت chn.ir، ۱۳۸۳/۴/۳۰). برخی از سیاست‌مداران و دولت‌مردان غربی هم در توجیه اقدامات اشغال‌گران در حمله به عراق و انهدام و غارت آثار تمدنی این کشور و فروش آنها در محافل و مراکز هنری کشورهای غربی، دلایل آن را ناشی از خلاءها و ضعف قوانین در کشورهای خود می‌دانند (سایت جام جم آنلاین: ۸۲/۱/۲۶ و غارت گنجینه فرهنگی، شبکه چارلستو، آوریل ۲۰۰۳)^۱ که کوشیر و ماتسوئورا دبیر کل وقت سازمان یونسکو، برای رفع خلاءهای قانونی بر تصویب یک قطعنامه در شورای

1. The Looting of Cultural Treasures, Charlesto Net April 2003

امنیت سازمان ملل متحد برای تحریم معاملات هرگونه اثر هنری و فرهنگی از مبدأ عراق برای یک دوره مشخص و همچنین اتخاذ تدابیری برای جلوگیری از قاچاق غیرقانونی میراث فرهنگی کشورها تاکید کرد (جام جم آنلاین: ۱۳۸۲/۲/۶، ت: ۱۳۹۲/۱۱/۶).

در مقام توضیح باید اظهار کرد که مسئولیت اشغال‌گر در قبال آثار باستانی سرزمین اشغالی، در کنوانسیون بین‌المللی ۱۹۵۴ و کنوانسیون ۱۹۷۰ و مقررات خط مشی‌های سازمان بین‌المللی یونسکو درخصوص بخش فرهنگ بیان شده است (سایت ایران یونسکو، ۱۳۹۳/۱۱/۲۵). طبق مقررات مذکور دولت‌ها براساس قرارداد حمایت اموال فرهنگی هنگام جنگ مصوب ۱۹۵۴ در لاهه، متعهدند که از انجام دادن هر عمل خصمانه‌ای در مورد اموال فرهنگی یکدیگر خودداری کنند (ماده ۴، بند ۱). و از هرگونه دزدی، چپاول و دستبرد به اموال فرهنگی جلوگیری کرده و در صورت لزوم آن‌را متوقف سازند و نگذارند به هیچ وجه در مورد آنها اقدامات تخریبی به عمل آید (ماده ۴، بند ۳). همچنین در صورت اشغال یک سرزمین، چنانچه اقدام فوری برای حفاظت اموال فرهنگی واقع در سرزمین اشغال شده که در نتیجه عملیات جنگی آسیب دیده، لازم شود و مقامات ملی صالحه نتوانند بدان پردازند، دولت اشغال کننده در حد امکان، لازم‌ترین اقدامات حفاظتی را با همکاری نزدیک مقامات مزبور به عمل خواهد آورد (ماده ۵ - بند ۲)، اما با وجود این تعهدات، نیروهای نظامی امریکا در مورد حفاظت از آثار فرهنگی، با توجیه اولویت‌ها و ضرورت‌های نظامی، کم‌توجهی کردند و در مورد حفاظت از آثار تاریخی و موزه‌ها در مناطق اشغال شده نیز در عمل بی‌توجهی نشان دادند. دلیل آن هم چندان پوشیده نیست.

خشونت اشغالگری و هویت عراقی

چهره دیگر اشغال بعد نرم‌افزاری یا عناصر غیرمادی آن در صحنه فرهنگ و اجتماع عراق است. در دوران چیرگی حزب بعث بر عراق، صدام حسین موفق شده بود با برقراری یک نظام غیردموکراتیک و مستبدانه، انواع و اقسام ناهمسانی‌ها در جامعه عراقی‌ها را در چرخ گوشت ایدئولوژیک حزب بعث، مضمحل کند. ولی پیشینه‌ایی برجا گذاشت که با پایان کارش، درون‌مایه خشونت‌های قومی، فرقه‌ای و مذهبی انباشته سر برآوردند، گسل‌های جامعه‌شناختی / هویتی عراقی‌ها بر همدیگر غلطیدند و فوران قساوت‌های گوناگون را سبب شدند. با اشغال عراق چهار نوع جنگ در عراق رواج یافت؛ جنگ میان نیروهای ائتلاف به رهبری امریکا با نیروهای

مقاومت، جنگ میان شیعیان و سنی‌ها برای تثبیت قدرت، جنگ میان جریان‌های تندرو و سلفی، القاعده و بعثی‌ها با دولت کنونی عراق، و جنگ میان کردها و برخی اقوام در شمال عراق برای تثبیت مرزهای نفوذ. بنابراین، در عراق، طبق تعریف‌های آکادمیک موجود، جامعه‌ای بی‌ثبات، مشحون از خشونت و استوار بر کشمکش‌های گوناگون پدیدار شده است. وجود شکاف‌های فعال قوم‌شناختی، جمعیت‌شناختی، دین‌شناختی و جامعه‌شناختی در عراق، خود به خود مسبب افزایش خشونت در محیطی شد که پیشینه فرهنگ دموکراتیک نداشت و بذری خصومت و خشم، از پیش در آن کاشته شده بود (خلیلی، ۲۰۰۸).

در مدت زمان اولیه بعد از فروپاشی رژیم بعث، فضای عمومی حاکم بر جامعه اعراب سنی مخالفت و ابراز تنفر از امریکایی‌ها گروه‌های همکار آنها در عراق، به‌ویژه شیعیان و کردها بود. این مخالفت‌ها به تدریج در اشکال خشونت‌آمیز و شکل‌گیری گروه‌های شورشی سنی بروز یافت. هرچند در ابتدا این گروه‌ها را بیشتر بعثی‌های با تجربه سازماندهی کردند، اما با گذشت زمان طیف‌های وسیعی از گروه‌های سنی زیر پوشش این گروه‌های شورشی قرار گرفتند (محقق و عالی سایت did.ir) و با گذشت مدت زمان کمی پس از اشغال عراق جنبش‌های جهادی و تروریستی در این کشور پدیدار شد که آزادسازی عراق از اشغال خارجی را هدف اصلی خود تعریف کردند. اشغال عراق، شماری از گروه‌های همگون و ناهمگون را تقویت کرد، به‌طوری که شبکه جهادی است توانست بهتر از هر زمان دیگر، بدون بن لادن به فعالیت خود ادامه دهد (مهربان: ۱۳۸۷).

با گسترش دامنه خشونت و عادی شدن فرهنگ تعدی و تجاوز در دوران اشغال‌گری بیگانگان در کشور عراق، دانشمندان این کشور که یکی از گروه‌های اجتماعی بسیار مؤثر در فرهنگ‌سازی و روایت هویت و ایجاد نظام نرم‌افزاری تسلسل فرهنگی است در جریان اشغال عراق این گروه از مردم عراق آسیب‌های جدی را متحمل شده‌اند. از زمان اشغال عراق توسط نظامیان امریکایی تاکنون این کشور به عرصه عملیات‌های ترور و قتل و کشتار گسترده و سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی شده بسیاری از شخصیت‌های علمی و نخبه عراق تبدیل شده است و با توجه به ناامنی و هرج و مرج گسترده حاکم بر این کشور به نظر می‌رسد، انجام این‌گونه ترورها بخشی از راهبرد ایجاد هرج و مرج سازمان‌یافته در عراق است که اشغال‌گران از زمان اشغال آن‌را در عراق دنبال می‌کنند. براساس گزارش منتشره در مجله مرکز بین‌المللی نظارت بر موارد نقض حقوق بشر در عراق، ۱۰۰۰ دانشمند عراقی را در بر می‌گیرد، تاکنون حدود ۵۰۰ دانشمند را افراد

ناشناخته ترور کرده‌اند. یک پژوهشگر امریکایی در نتایج تحقیقات خود تأکید می‌کند؛ دستگاه اطلاعات و جاسوسی رژیم صهیونیستی (موساد) با کمک نظامیان امریکایی در عراق تا کنون ۳۵۰ دانشمند و بیش از ۲۰۰ استاد دانشگاه عراقی را در عرصه‌ها و حوزه‌های مختلف علمی ترور کرده است. همچنین از زمان اشغال عراق تاکنون جدای از ترورهای صورت گرفته دانشمندان و نخبگان و اساتید دانشگاه‌های عراق به شدت تحت پیگرد و آزار و اذیت قرار دارند. آمار و ارقام رسمی حکایت از این دارد که از زمان اشغال عراق تاکنون حدود ۱۷ هزار دانشمند و استاد دانشگاه عراقی و ادار به مهاجرت از این کشور شده‌اند و کسانی که مانده‌اند، نظامیان امریکایی بارها آنها را بازداشت، بازجویی و حتی آزار و شکنجه داده‌اند (موعود، ۱۳۹۰/۵/۱۱).

زنان عراقی از دیگر گروه‌های اجتماعی این کشور هستند که در جریان اشغال آسیب‌های زیادی را متحمل شدند. چون زنان راویان و شکل‌دهندگان هویت فرزندان، نقش تعیین‌کننده‌ایی در خانواده و تربیت فرزندان دارند از تاثیرگذارترین گروه‌های اجتماعی محسوب می‌شوند، به طوری که با سرنگونی حکومت دیکتاتوری صدام و اشغال عراق توسط امریکا و متحدانش این گروه مؤثر روز به روز شاهد خشونت بی‌ثباتی و محرومیت از امکانات اولیه زندگی و نامنی‌های ناشی از بمب‌گذاری و حملات کور تروریستی و بازداشت‌های غیرموجه بودند. به قول نسرین مصفا و همکارش (۱۳۹۲)؛ در عراق آتشی که به نام جنگ برای آزادسازی و از بین بردن آفتی که شیره‌جان یک ملت را برای سال‌ها می‌مکید روشن شد، و خرمن زندگی زنان این کشور را در کام خود بلعید و شرایط را برای آنان به گونه‌ایی سخت و دگرگون کرد (مصفا و شاه‌نوری، ۱۳۹۲). که شکنجه و تعدی به زنان در زندان‌های عراق (ابوغریب، الرصافه و الکاظمیه) موج وحشت و نفرت زنان عراقی، مردم منطقه و جهان را، اشغالگران برانگیخت و شرایط زندگی برای زنان و خانواده‌های ایشان بسیار سخت و نامطلوب شد (داداندیش، ۱۳۹۲).

در جریان اشغال عراق در سال ۲۰۰۳، زنان عراق از دو سو مورد هجوم قرار گرفتند. یکی نابود شدن سیستم قضایی عراق بود که همین امر زنان این کشور را از حمایت‌های قانونی محروم ساخت و دیگری گسترش خشونت‌ها در فضای عمومی عراق بود که قاچاق انسان، تجاوز جنسی و کشتار و قتل، سهم زنان عراقی شد (زقانا: ۲۰۱۴) که مقامات عراقی همچون نوال السامرائی وزیر امور زنان عراق، تأیید کرده‌اند (پوریزدان‌پرست، گزارش قسمت اول، ۱۳۹۳/۱۰/۳). در گزارش‌های ویژه سازمان ملل متحد، صلیب سرخ جهانی، رسماً آمده است (سایت womenrc.ir، ۲۰/۶/۱۳۹۰) و همه اینها در

زمینه‌سازی برای تولید ناپهنجاری‌های اجتماعی و تضعیف باورها و ارزش‌های دینی و بومی در بین خانواده‌های عراقی بسیار مؤثر بوده است که برخلاف طرح بزرگ خاورمیانه‌ای امریکایی‌ها به زنان در تسهیل روند دموکراسی‌سازی در خاورمیانه به آن اولویت قائل شده بود (سایت [iran-forum.ir](http://iran-forum.ir/thread-.htm)) و برخی از محققان و گزارشگران حقوق بشر آن را معادل جنایت علیه بشریت دانسته‌اند (شوارتز، ۲۰۰۷).

فرهنگ و هویت در قانون اساسی عراق جدید یکی از فرصت‌هایی است که سقوط رژیم بعثی در عراق ایجاد کرد و آن این بود که مردم این کشور برای تعیین سرنوشت خویش از زمان استقلال دولت ملی عراق (۱۹۲۱) برای نخستین بار به پای صندوق‌های رأی رفتند و با نظر خود مهر تأییدشان را برپای این سند نمادین یعنی قانون اساسی عراق جدید زدند. عمده تغییرات در قانون اساسی جدید کشور عراق جنبه ایجابی و ماهیت فرهنگی داشته است، به طوری که با نقشه راه ترسیم شده در این قانون بقیه مسائل سیاسی اجتماعی در جامعه عراقی با فرهنگ معنا می‌یابند. بنابراین با نگاهی به سرفصل‌ها و محورهای قانون اساسی عراق جدید، به وضوح می‌توان تفاوت‌های مهمی با قانون اساسی قدیم و دیگر اسناد دوران رژیم بعث یافت. درحالی که در زمان صدام حسین تنها اعضای حزب بعث حق مشارکت در فرایند سیاسی را داشتند و با حذف شدن حزب بعث از گردونه سیاسی عراق، این دومین ضربه‌ای بود که به بقایای رژیم سابق وارد شد و با این ضربه در عمل حیات سیاسی حزب بعث در عراق خاتمه یافت و آخرین نماد ظلم و استبداد حاکم نیز جایگاه قانونی و اجتماعی خویش را در این کشور از دست داد.

الف) هویت دینی در قانون اساسی عراق جدید

با سقوط رژیم بعثی در عراق شاید بتوان گفت قانون اساسی جدید عراق از مهم‌ترین وقایع این کشور محسوب می‌شود. همچنین در جریان تدوین و تصویب قانون اساسی موقت و دائمی عراق جدید اختلاف اساسی بین شیعیان و امریکا بروز کرد و امریکایی‌ها اعلام کردند قانون اساسی را تدوین و تصویب خواهند کرد و ماه ژوئن حکومت را تحویل خواهند داد و این همان دلیلی بود که شیعیان با آن مخالف بودند. نقش مرجعیت شیعه هم در این مورد غیرقابل انکار است (محقق، ۱۳۸۹). علاوه بر این، تلاش‌ها و اقدامات آیت‌الله سیستانی در روند انتخابات، تدوین قانون اساسی، تعیین اعضای شورای تدوین پیش‌نویس قانون اساسی توسط امریکا و از همه مهم‌تر،

توافق نامه راهبردی امنیتی عراق و ایالات متحده که با خطوط قرمز منافع ملی عراق از سوی مرجعیت اعلام شد. شفاف سازی، دفاع از حاکمیت ملی، اجماع ملی و ارائه مفاد آن به پارلمان، بسیار در هویت بخشی و سرنوشت سیاسی کشور عراق تأثیرگذار بود؛ زیرا مرجعیت شیعه نخستین نهادی بود که ضرورت تطبیق مفاد توافق نامه با حاکمیت، استقلال وحدت ملی و منافع ملی را طرح کرد و در همه مواقع یکپارچگی عراق را مطمئن نظر قرار داده بود (همان).

در مقدمه قانون اساسی جدید عراق؛ بر کرامت انسانی، قدمت و پیشتازی سرزمین عراق در تمدن سازی که خاستگاه پیامبران و رسولان، ائمه اطهار^(س) و نقش اولیاء و صحابه پیامبر اسلام، فلاسفه، علما، ادبا و شعرا تأکید می کند. یادآور می شود: «ما اهالی عراق با آگاهی از حق خداوند بر ما و در پاسخ به دعوت وطن و شهروندان و رهبران ملی و مذهبی و اصرار مراجع بزرگ، رهبران، مصلحان و نیروهای ملی و سیاسی و با حمایت دوستان، برای نخستین بار در تاریخ خود در روز سی ژانویه ۲۰۰۵ میلیون ها زن و مرد و پیرو جوان پای صندوق های رأی حاضر شدند. آنها در حالی پای صندوق های رای حاضر شدند که سرکوب های طایفه ای توسط ستمگران مستبد را به یاد می آوردند، از شهدای فجایع عراق اعم از شیعه و سنی، عرب، کرد و ترکمن و بقیه برادران خود الهام می گیرند... کشتار رهبران شخصیت ها و بزرگان و آواره شدن افراد شایسته و خشکاندن منابع فکری و فرهنگی روبه رو شدند بر همین اساس دست به دست هم دادیم تا دوشادوش یکدیگر عراق جدیدی بسازیم. عراق آینده که از طایفه گرایی، گرایش های نژادی، مشکلات منطقه ای و تبعیض و طرد در خبری نیست. جایگاه دین و تکیه بر تعالیم دینی و آسمانی به منزله انگاره و آرمان پذیرفته شده حاکمیت، از جمله موضوعات فرهنگی است که تدوین کنندگان آن در مقدمه و فصل ها و اصول قانون اساسی جدید عراق به آن تصریح کردند. مقدمه با شعار اساسی مسلمانان یعنی «بسم الله الرحمن الرحیم» شروع می شود. در اصل دو آن، اسلام دین رسمی کشور و منبع اصلی قانون گذاری اعلام شده است. تدوین قوانینی که با احکام ثابت اسلامی تعارض دارد، جایز نیست. همچنین قانون اساسی بر حفظ هویت اسلامی اکثریت ملت عراق تأکید کرده است. آزادی عقیده و اجرای شعائر دینی را برای همه افراد مانند مسیحیان، یزیدیان و صائبی های مندائی تضمین می کند. در اصل سوم هم با احترام به تنوع قومی و دینی مذهبی عراق، این کشور را بخشی از جهان اسلام بر می شمرد. تعیین اسلام، منبع اصلی قانون گذاری کشور؛ مسئله ای است که می توان با استناد به آن، قوانین موضوعه را با معیارهای الهی منطبق کرد و از درگیری های قومی و مذهبی در این

کشور جلوگیری کرده و هویت دینی و ملی عراقی‌ها را ارتقاء دهد.

همچنین تدوین‌گران قانون اساسی جدید عراق با تبیین آزادی بیشتر عقیده و مذهب در اصل چهل و یکم تأکید می‌کنند. پیروان هر دین یا مذهبی، آزادی شعائر دینی از جمله مراسم حسینی را دارند. و برای حفظ و حراست از این حق که در قانون اساسی عراق برای شهروندان بیان شده است؛ «حکومت آزادی عبادت و محافظت از اماکن آن‌را تضمین می‌کند». اداره اوقاف هم مکلف است امور نهادهای دینی که بر اساس قانون سازماندهی کند (همان).

ب) مظاهر هویت در قانون اساسی

در تدوین قانون اساسی جدید عراق به عناصر ظاهری و عینی هویت، که نمایانگر شخصیت هر جامعه‌ای است توجه شده، به طوری که با در نظر گرفتن نقش کلیدی زبان در شکل‌دهی هویت به منظور زیرساخت هر اجتماع بشری؛ که امروزه از آن، ملت یاد می‌کنند (مک کیم، ۲۰۰۵:۲۰۵). در بند یک اصل چهارم قانون اساسی جدید عراق، وضعیت فرهنگی و اجتماعی این کشور لحاظ شده، و زبان‌های عربی و کردی به طور مشترک به منزله زبان رسمی اعلام شده است. می‌توان از این زبان‌ها در نهادهای رسمی مانند مجلس نمایندگان، دادگاه‌ها، هیئت دولت، کنفرانس‌ها و دیگر اماکن رسمی استفاده کرد و طبق قانون اساسی اسناد رسمی و نامه‌ها به این دو زبان به رسمیت شناخته شده و منتشر خواهد شد. طبق ضوابط آموزشی، مدارس دو زبانه دایر خواهد شد. هر مسئله دیگری مثل پول، گذرنامه و تمبر که اصل برابری برای آن ضروری باشد می‌توان دو زبان را به کار گرفت. براساس این اصل از قانون اساسی عراق جدید نهادها و دستگاه‌های فدرال در منطقه کردستان از هر دو زبان استفاده می‌کنند و عراقی‌ها حق دارند طبق اصول آموزش زبان‌های مادری مانند ترکمنی یا سریانی ارمنی یا هر زبان دیگری را در موسسات آموزشی دولتی یا خصوصی به فرزندان خود آموزش دهند. همچنین زبان ترکمنی و سریانی در واحدهای اداری که اکثریت جمعیت را در آنجا تشکیل می‌دهند زبان رسمی به شمار می‌روند. در صورتی که اکثریت مردم یک منطقه یا استان در همه پرسى عمومی موافقت کنند هر منطقه یا استان می‌تواند هر زبان محلی را، زبان رسمی دیگر خود برگزیند.

اصل دوازدهم قانون اساسی جدید عراق از دیگر اصولی است که به امور فرهنگی نظام حکومتی تازه تأسیس این کشور می‌پردازد. نمادها و مناسبت‌های رسمی این کشور را بر اساس هویت ملی

عراق تعیین می‌کند؛ مطابق بند یک این اصل از قانون اساسی، پرچم، شعائر و سرود ملی عراق که عناصر ظاهری و نشان‌دهنده هویت ملی عراقی‌ها است و همچنین نشان‌ها، تعطیلات رسمی، مناسبت‌های مذهبی و ملی و تقویم هجری و میلادی و براساس قانون مشخص می‌شود.

ج) آزادی‌های اجتماعی و فرهنگی در عراق جدید

تدوین‌گران قانون اساسی عراق جدید به مقوله آزادی توجه جدی نشان داده‌اند که بی‌شک در رشد و توسعه فرهنگی (ابتهاج: ۱۳۹۲) و هویت بخشی به نظام اجتماعی عراق تأثیر مثبتی دارد. براساس اصل ۳۵ قانون اساسی این کشور، آزادی و کرامت انسان محفوظ است و هر نوع شکنجه جسمی و روحی و رفتار غیرانسانی ممنوع است و اعترافاتی که به زور یا از طریق تهدید یا شکنجه به دست آید، اعتبار ندارد. شخصی که برائر چنین رفتارهایی متضرر شده باشد، می‌تواند غرامت و خسارات مادی یا معنوی را که به او وارد شده است، طبق قانون طلب کند. حکومت در برابر احیای فکری، سیاسی یا امنیتی از افراد حمایت می‌کند. همچنین در اصل سی‌وششم؛ حکومت به طوری که به نظم و آداب عمومی لطمه وارد نکند امور مربوط به آزادی بیان و اندیشه با همه ابزار، آزادی مطبوعات، چاپ و نشر و رسانه‌ها، آزادی تجمع و تظاهرات مسالمت‌آمیز که براساس قانون سازماندهی شود، را برعهده دارد. در ادامه این قانون اساسی در اصل سی‌وهفتم؛ آزادی تأسیس جمعیت‌ها و احزاب سیاسی یا پیوستن به آنها تضمین شده است و طبق قانون سازماندهی می‌شود. البته، تدوین‌گران قانون اساسی جدید عراق با تجربه‌ایی که از دوران رژیم بعثی برای مشارکت اجباری افراد در امور سیاسی داشتند، مجبور کردن افراد برای پیوستن به حزب، جمعیت یا یک تشکل سیاسی یا واداشتن او به ادامه عضویت در آن را ممنوع کردند. اصل چهل‌وپنجم هم، محدودیت‌های اجرای حقوق و آزادی‌های وارده در این قانون اساسی را فقط به حکم قانون می‌داند، به طوری که این محدودیت به اصل آزادی یا حق لطمه‌ای وارد نکند. البته، در اصل چهاردهم همین قانون متذکر شده است که هر فرد عراقی حق برخورداری از زندگی، امنیت و آزادی را دارد و محرومیت او از این حقوق یا محدود کردن حقوق وی طبق قانون و حکم صادره از مقامات قضایی ذیربط جایز نیست. نکته مهم دیگری که در بخش آزادی‌ها، تدوین‌گران قانون اساسی عراق بدان پرداخته‌اند مربوط به حفظ هویت دینی افراد و جامعه عراقی است. و براساس قانون اساسی جدید، مردم عراق می‌توانند آزادانه مشخصات فردی خود را طبق دین،

مذهب، اعتقاد یا انتخاب خود حفظ کنند (اصل ۳۹). هر فردی هم آزادی در اندیشه و عقاید خود را دارد (اصل ۴۰). همچنین عراقی‌ها بدون هرگونه تبعیض بر اساس جنسیت، نژاد، قومیت، اصل، رنگ، دین، مذهب، اعتقادات، اندیشه یا اوضاع اقتصادی و اجتماعی در برابر قانون برابر هستند (اصل ۱۵). چون هر ملتی با آموزش و توانمندسازی خود هویتش را می‌سازد و روایت می‌کند. برای تقویت هویت جمعی، برقراری آموزش یکپارچه و طراحی فرایند جامعه‌پذیری براساس ارزش‌ها و باورهای پذیرفته شده، ضروری است. نظام آموزشی می‌تواند به مثابه مرجعی انسان‌ساز عمل کند و ارزش‌ها، اصول و اهداف در راستای تقویت یا تضعیف هویت ملی را در جامعه باز تولید نماید (سلیمی: ۱۳۹۳). تدوین‌گران قانون اساسی جدید عراق با درک صحیح از اهمیت و کار ویژه آموزش، در اصل سی و چهارم این قانون اساسی تأکید می‌کنند که آموزش عامل اصلی پیشرفت جامعه است که این امر برعهده حکومت قرار دارد و آموزش مرحله ابتدایی اجباری است و مبارزه با بی‌سوادی نیز برعهده حکومت است و آموزش رایگان در مراحل مختلف حق هر عراقی است. همچنین مطابق اصل چهل و سوم؛ حکومت بر رشد و ترقی قبایل و عشایر عراق تأکید کرده و به امور آنها به‌طوری که با دین، قانون و تقویت ارزش‌های والای انسانی و کمک به پیشرفت جامعه هماهنگ باشد توجه می‌کند و از عرف‌های عشایر که با حقوق انسان منافات دارد جلوگیری به عمل می‌آورد. در سطح عالی‌تر هم حکومت تحقیقات علمی با اهداف صلح‌آمیز را که در خدمت بشریت است، تشویق می‌کند و از حمایت ابداع، ابتکار و نوایغ را وظیفه خود اعلام می‌کند؛ که مطابق قانون مربوط تضمین و سازماندهی می‌شود. و به منظور بهره‌مندی آحاد مردم عراق از فرصت‌های بین‌المللی علاوه بر ظرفیت‌های داخلی قانون اساسی عراق حق برخورداری از همه حقوق ذکر شده در معاهدات و توافق‌نامه‌های بین‌المللی مربوط به حقوق بشر که عراق آنها را پذیرفته است و با این قانون اساسی منافاتی ندارد تأیید کرده است (اصل ۴۴).

د) هویت فرهنگی شیعیان و قانون اساسی جدید عراق

پس از سقوط رژیم بعث صدام، اقامه عزای شهادت حسین بن علی نوه پیامبر اسلام (ص) و امام سوم (ع) شیعیان و برگزاری مراسم میلیونی عاشورا و اربعین در ایام ماه محرم و صفر در عراق نشانه بارزی از آزادی مردم برای اجرای شعائر مذهبی بوده و آغاز یک جریان فرهنگی انسجام‌بخش در عراق به‌ویژه بین شیعیان محسوب می‌شود. اوائل با حمله تندروهای سلفی و تکفیری همراه می‌شود؛ اما چرا این‌گونه مراسم‌های مذهبی مورد هجوم قرار می‌گرفتند؟ برگزاری

❖ سال شانزدهم، شماره سی و نهم، زمستان ۱۳۹۳

مراسم‌های عزاداری امام حسین^(ع) و یادآوری حماسه عاشورا چه تهدیدی را متوجه گروه‌های تندرو می‌کند؟ در پاسخ به نظر می‌رسد طراحان عملیات‌های انتحاری از ظرفیت هویت‌سازی برگزارکنندگان این آئین‌ها هستند یادآوری حماسه عاشورا و واقعه کربلا، برای جامعه عراقی که با مشکلات هویتی مواجه است می‌تواند منبع تولید هویت دینی عمل کند و عزت، افتخار و امید به آینده را در بین مردم عراق با درس‌آموزی از امام حسین^(ع) زنده نماید و فرایند ملت‌سازی در این کشور را تحت تأثیر جدی قرار دهد.

وجود اماکن متبرکه و مدفن امامان شیعه که نشانه دیگری از استمرار تاریخی هویت شیعی است، همواره توجهات شیعیان دیگر نقاط جهان را به عراق جلب کرده است. به اعتقاد شیعه؛ پس از نبوت امامت از اصول دین است و امامان شیعه ادامه‌دهنده راه پیامبر اسلام^(ص) هستند و همچنان زنده و ناظر بر اعمال و یاری‌گر و شفادهنده در دنیا و شفیع ایشان در قیامت‌اند. فرانسیس فوکویاما (۱۹۸۶) در کنفرانسی در اورشلیم با عنوان بازشناسی هویت شیعه که صهیونیست‌ها برگزار کردند، این ظرفیت بزرگ هویت فرهنگی شیعیان را این‌گونه تعبیر می‌کند: «شیعه پرنده‌ای است که افق پروازش خیلی بالاتر از تیرهای ماست. پرنده‌ای که دو بال دارد: یک بال سبز و یک بال سرخ. بال سبز این پرنده همان مهدویت و عدالت‌خواهی اوست. چون شیعه در انتظار عدالت به سر می‌برد؛ امیدوار است و انسان امیدوار هم شکست‌ناپذیر است. او همچنین گفته: نمی‌توانید انسانی را تسخیر کنید که مدعی است کسی خواهد آمد که در اوج ظلم و جور، دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد. شیعه با این دو بال، افق پروازش خیلی بالاست و تیرهای زهرآگین سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و... به آن نمی‌رسد. از نظر فوکویاما شیعه بعد سومی هم دارد که بسیار مهم است: این پرنده زرهی به نام ولایت‌پذیری برتن دارد. بین کلیه مذاهب اسلامی، شیعه تنها مذهبی است که نگاهش به ولایت فقیه است؛ یعنی فقیه می‌تواند ولایت داشته باشد. این نگاه، برتر از نظریه نخبگان افلاطون است» (محمدپور: ۱۳۸۶). اعتقاد شیعه به امامت، عتبات مقدسه و اماکن مذهبی به‌ویژه برای شیعیان در عراق همواره در ارتقای فرهنگ شیعه و هویت‌های دینی و فرهنگی ایشان بسیار مهم و مؤثر بوده و به‌همین دلیل است که تدوین‌گران قانون اساسی جدید عراق بر حفظ حرمت این اماکن به‌طور خاص توجه کرده‌اند و بر تضمین انجام آزادانه شعائر در آنها در اصل دهم همین قانون اساسی تأکید کرده‌اند.

مردم عراق که سال‌های سال، تحت فشار یکی سفاکترین حکومت‌های عصر حاضر قرار داشتند و هزاران نفر در دوران صدام جان خود را در راه شرافت و عدالت و مقابله با استبداد بعثی فدا کردند و بسیاری نیز آسیب‌های جسمی و روحی شدیدی را متحمل شدند. حکومت برای ارج نهادن به ایثار و شهادت در راه حق، در دوره جدید زندگی سیاسی اجتماعی عراق، موظف به رسیدگی به زندانیان سیاسی و ضرردیدگان از اقدامات ظالمانه رژیم دیکتاتوری برکنار شده است و مسئول پرداخت غرامت به خانواده‌های شهدا و مجروحان ناشی از اقدامات تروریستی است. به همین منظور تأسیس سازمان‌های موسوم به مؤسسه شهدا که با هیئت وزیران در ارتباط است در اصول ۱۰۲ و ۱۲۹ قانون اساسی عراق جدید مقرر شده است و این مؤسسات وظایف حکومت را در رسیدگی به امور شهدا مجروحان و زندانیان سیاسی به عهده خواهند داشت.

در قانون اساسی عراق قدیم هم که از اسناد مهم حکومتی دوران رژیم بعثی محسوب می‌شد. و از اصول ۲۵ تا ۲۹ این قانون حاوی مسائل فرهنگی بود. از آزادی مذهب (اصل ۲۵)، آزادی بیان (اصل ۲۶) آزادی نشریات، انجمن‌ها اتحادیه‌ها و تظاهرات (اصل ۲۷) سخن گفته شده بود یا مبارزه دولت علیه بی‌سوادی، تضمین حق برخورداری از آموزش‌های لازم دانشی و مهارتی در مدارس و دانشگاه‌ها جز وظایف دولت شمرده بوده است. همچنین در اصول ۲۸ و ۲۹ قانون اساسی مذکور دولت مکلف شده بود تا با مظاهر استعماری و ارتجاعی و صهیونیسم مبارزه کند. اما آنچه که در حکومت صدام اتفاق افتاد، خفقان و نابودی ارزش‌های مادی و معنوی مردم سرزمینی بود که خود را وارث تمدن بین‌النهرین و اسلام می‌دانستند.

ذ) زنان و خانواده در قانون اساسی عراق جدید

به‌رغم آسیب‌های جدی که جمعیت زنان عراقی در دوران اشغال این کشور متحمل شدند با اهمیت قائل شدن به نقش زنان و نهاد خانواده در دوره عراق جدید، زمینه‌های حضور زنان در عراق فراهم شد. زنان ۲۵ درصد از سهم کرسی‌های مجلس قانون‌گذاری این کشور را به خود اختصاص دادند و بر حقوق برابر زنان و مردان در قانون اساسی تأکید شد. علی‌رغم ناامنی و خشونت روزافزون، امید به آینده بین زنان عراقی بسیار بالا رفت (داداندیش: ۱۳۹۲). براساس همین امیدواری هم در قانون اساسی جدید عراق بر سرزمین، ملت و حاکمیت یکپارچه و متحد، و همچنین آزادی‌های مردم و عدم تبعیض نژادی، دینی و قومی و جنسیتی تأکید شده است. قانون اساسی جدید عراق، حقوق قانونی بنیادین مانند حق رأی و مالکیت اموال را برای زنان این کشور

تضمین کرده است. اصل بیست‌ونه؛ خانواده را اساس جامعه دانسته است و حکومت موجودیت ارزش دینی، اخلاقی و ملی آن را حفظ می‌کند. همچنین در بندهای دیگری از این اصل ادامه می‌دهد که حکومت حمایت از مادران، کودکان و سالخورده‌گان و مراقبت از نوجوانان و جوانان و تأمین شرایط مناسب برای رشد توانایی‌ها را برعهده دارد... تربیت، مراقبت و آموزش فرزندان بر عهده والدین است و فرزندان نیز باید به والدین خود احترام بگذارند و از آنان به‌خصوص در زمان ناتوانی و پیری مراقبت کنند. بهره‌برداری اقتصادی در کودکان ممنوع است و حکومت اقدامات مناسب برای حمایت از آنان را اتخاذ می‌کند. خشونت و ظلم در خانواده مدرسه و جامعه ممنوع است. از طرفی قانون اساسی جدید عراق حکومت را مکلف به تأمین اجتماعی شهروندان عراقی می‌کند و در اصل سی بیان می‌دارد که حکومت بیمه اجتماعی و بهداشت و عناصر اصلی زندگی با عزت را برای افراد و خانواده‌ها به‌خصوص کودکان و زنان تأمین می‌کند و درآمد و مسکن مناسب را برای آنان فراهم می‌کند. حکومت در شرایط پیری، بیماری، از کار افتادگی، آوارگی، یتیمی یا بیکاری بیمه اجتماعی عراقی‌ها را تأمین کرده و می‌کوشد از آنان در برابر جهل، ترس و فقر حمایت کند و حتی تأمین مسکن برای آنان راه‌های ویژه‌ای را برای کمک و توجه به آنان می‌اندیشد؛ این امر طبق قانون سازماندهی می‌شود. در اصل سی‌ویک هم تصریح می‌کند که مراقبت بهداشتی حق هر عراقی است و حکومت به بهداشت عمومی توجه دارد، چراکه عقل سالم در بدن سالم است.

نتیجه‌گیری

گفتیم که برای رهایی از زوال ارزش‌های اساسی که برای نحوه زندگی جوامع مهم هستند، مفهوم امنیت به ویژه امنیت فرهنگی نسبت نزدیکی با مفهوم «هویت» دارد. جوامع زمانی از امنیت برخوردارند که هویت آن جامعه مورد تهدید واقع نشود و تهدید هویت جامعه تهدیدی است که بقای جامعه را دچار مشکل سازد. به عبارت دیگر وقتی هویت تقویت شود امنیت بیشتر می‌شود و هنگامی که هویت تضعیف شود ناامنی افزایش می‌یابد و با توجه به شرایط پیچیده و توسعه ابزارهای نوین رسانه‌ایی نداشتن شناخت کافی برای فرهنگ و جامعه عراقی موجب شده است که اشاعه روزافزون عناصر فرهنگی ناشی از اشغال در عراق و دیگر کشورهای اسلامی بدون در نظر داشتن ملاحظات فرهنگی لازم صورت پذیرد که با ابعاد و سؤالات متعدد و متنوعی همراه است. طبعاً در هر پرسش بخشی از واقعیت‌های پژوهش توجه و استناد شود. بنابراین، در

این مقاله تلاش شد پیامدهای فرهنگی اشغال عراق و شناخت تهدیدها و فرصت‌های ناشی از آن بررسی شود و جمع‌بندی پاسخ‌های یافت شده در جریان این مطالعه به شرح ذیل است:

با مطالعه صورت گرفته در صحنه میدانی، درخصوص برخی آسیب‌های وارده به مظاهر و عناصر مادی و غیرمادی هویت عراقی‌ها در جریان اشغال این کشور بیان شد، آثار تمدنی و اموال فرهنگی عراق به منظور جنبه مادی فرهنگ عراقی در جریان حمله کشورهای ائتلاف به‌طور فاجعه باری تخریب و غارت شد. این در حالی است که به نظر بسیاری از محققان مسائل عراق و منطقه خاورمیانه، طراحان جنگ علیه عراق به‌طور کامل و همه‌جانبه آگاه بودند که نابود کردن میراث فرهنگی و انقطاع نرم‌افزاری مردم عراق با گذشته و هویت خودشان، منجر به اضمحلال کامل دولت عراق شده و از آن پس این کشور تبدیل به جماعت‌های قبیله‌ای و مذهبی شده و آثاری از ملت عراق باقی نخواهد ماند و در نتیجه جامعه عراقی به بدویت بازخواهد گشت. همچنین تبعات مخرب برخورد با ارزش‌ها و هنجارها، راپیان و آنچه که به عراقی‌ها هویت می‌بخشید تا بدانجا بود که با گسترش شدید فرهنگ خشونت و تروریسم به‌شدت در محیط‌های عمومی و خصوصی این کشور و توسعه دامنه خشونت و عادی‌شدن فرهنگ تعدی، دوران اشغالگری بیگانگان، هسته اصلی فرهنگ‌سازی و تربیت نسل‌های آینده یعنی خانواده، آسیب فراوانی دید و آتشی که در عراق به نام جنگ برای آزادسازی و از بین بردن صدام روشن شد، خرمن زندگی زنان این کشور را در کام خود بلعید و شرایط را برای آنان سخت و دگرگون کرد. آنان را هدفی برای ترویج فرهنگ غربی و سبک زندگی در تهاجم فرهنگی بیگانگان نمود. دانشمندان هم، یکی دیگر از گروه‌های اجتماعی تأثیرگذار در فرهنگ‌سازی و روایت هویت و ایجاد نظام نرم‌افزاری تسلسل فرهنگی در جریان اشغال عراق با ترور و مهاجرت و... مواجه شدند. آنچه مسلم است تحقیقات بررسی‌های انجام شده براساس دیدگاه نظریه‌پردازان امنیتی، اشغال عراق با ایجاد فرصت‌ها و تهدیدها، هویت جامعه عراق را تحت تأثیر قرار داده است که ملاک‌ها و شاخصه‌های آن در اسناد بالادستی یعنی قانون اساسی جدید و دیدگاه‌های صاحب‌نظران در روند تحولات پس از اشغال عراق منعکس است. تبیین تغییرات فرهنگی در مواد قانون اساسی جدید هم از آن رو مهم است که بستری هویت‌ساز برای بسیاری از تحولات عراق محسوب می‌شود. با نگاهی به محورهای قانون اساسی عراق جدید، به وضوح می‌توان تفاوت‌های جدی آن را با قانون اساسی و دیگر اسناد دوران صدام حسین، دیکتاتور سابق عراق مشاهده کرد. در

❖
ن
ش
ز
د
ه
،
ت
م
د
م
س
و
ر
و
پ
ر
ت
ب
ا
ت
ب
۱۳۹۴

قانون اساسی پس از سقوط صدام همه احزاب سیاسی، مذاهب و قومیت‌ها از حق تعیین سرنوشت خویش در قالب مشارکت در امور سیاسی برخوردار شدند. آزادی‌های اجتماعی و فرهنگی توسعه پیدا کرد و تضمین شد و بر هویت دینی و اعتقادی مردم عراق تأکید شد. چون عمده تغییرات قانون اساسی جدید کشور عراق ماهیت فرهنگی دارد، در عمل دیگر مسائل سیاسی اجتماعی در کنار فرهنگ به جامعه عراقی معنای جدیدی داده و تغییرات شکلی و ماهیتی در حکومت و جامعه عراق، با عناصر هویت فرهنگی در این کشور برجسته شده است.

منابع و مأخذ

- اسدی، علی (۱۳۸۸). *مواجهه آیات و روایات با جنبه‌های منفی فرهنگ پذیرگی*. چاپ اول، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- بوزان، باری (۱۳۸۷). *مردم، دولت‌ها و هراس*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیگدلی، علی (۱۳۸۵). «نقشه تصاحب خاورمیانه، نگاهی به ماهیت استراتژی‌های آمریکا در خاورمیانه»، ماهنامه *زمانه*، خرداد ماه.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۷۸). *فرهنگ شناسی*، چاپ اول، تهران: پیام امروز.
- تراسبی، دیوید (۱۳۸۹). *اقتصاد و فرهنگ*، کاظم فرهادی، تهران: نشر نی.
- خلیلی، محسن، فرایند تدوین و تصویب قانون اساسی جدید عراق، تهران: هیجدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، ۲۰۰۸.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۲). *زمینه فرهنگ‌شناسی، پویایی و پذیرش*، چاپ سوم، تهران: انتشارات عطار.
- زوانبرگ، مارتین (۱۳۸۶). «آزبستان‌سیالیسم در عراق: قطعه‌نامه شماره ۱۴۸۳ شورای امنیت و حقوق اشغال نظامی» مترجم: حمیدرضا جاویدزاده، تهران: مجله حقوقی، نشریه *امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری*، شماره ۳۷.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۲). *شیعه در اسلام*، دفتر انتشارات اسلامی.
- عطایی، محمدرضا (۱۳۷۵). *شیعه در تاریخ*، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- قاسمی، محمود (۱۳۸۸). «جایگاه مرجعیت و سیاست را در عراق پس از اشغال»، تهران: فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۴۵، magiran.com
- قیصی‌زاده، یونس (۱۳۶۳). خصوصیات فرهنگی، اطلاعات علمی، ۱۶ آبان.
- محرمی، غلامحسین (۱۳۷۸). دفاع از حقانیت شیعه، انتشارات مؤمنین.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۲). تحلیلی از علل اشغال عراق توسط آمریکا و انگلیس، ماهنامه *معرفت*، سال ۱۲، ش ۵ مرداد ماه مظفر، محمدحسین (بی‌تا). تاریخ شیعه، مکتبه بصیرتی، برگرفته از: خط‌شام، ج ۵، ص ۹.
- مهربان، احمد (۱۳۸۷). «جنگ علیه تروریسم و افزایش حملات انتحاری در عراق و افغانستان»، فصلنامه *راهبرد*، سال شانزدهم، شماره ۴۸.
- یزدان‌فام، محمود (۱۳۸۶). «دگرگونی در نظریه‌ها و مفهوم امنیت بین‌المللی»، فصلنامه *مطالعات راهبردی*، دوره ۱۰، شماره ۳۸.
- منابع لاتین و اینترنتی:

Buzan&waever&wilde(1998), *Security A new Framework for Analysis*, London
Erin McKean.editor, Nation", The New Oxford American Dictionary, Second Edn., May
2005, Oxford University
Robinson, William(2004),*What to Expect from U.S. Democracy Promotion in Iraq*,
University of California (<http://www.focusweb.org>)

Schwartz. Michael(2007), Is the United States Killing 10,000 Iraqis Every Month? Or Is It More?. Global Research, Theme: Crimes against Humanity. In-depth Report: IRAQ REPORT

- ابتهاج، امیر، توسعه فرهنگی چیست؟، ۲۶ مهر ۱۳۹۲، <http://puyesh.net/fa/news/4869>
- اشغال عراق و بازتاب‌های آن بر خانواده عراقی، سایت مرز نیوز، جمعه ۲۶ مهر ۱۳۹۲، ۱۲ مرداد ۱۳۹۰.
- آشنا، حسام الدین (۱۳۹۱). ایجاد نوآوری در حوزه تماس فرهنگی و خلق حوزه امنیت فرهنگ، تاریخ رجوع: ۹۴/۰۱/۱۷
- <http://www.rasanews.ir>
- پایگاه خبری تحلیلی فرارو: ۱۳۸۹ ۶/۶ - تاریخ رجوع: ۱۳۹۲/۱۱/۰۶.
- پوریزدان پرست، صالح، گزارشی از عراق در سال‌های اشغال (قسمت اول)، ۱۳۹۳/۱۰/۰۳ <http://okhowah.com>
- داداندیش پروین. دوران اشغال عراق و سرنگونی رژیم. وبلاگ نویسنده . ۱۳۹۲ /۰۵/۲۹.
- زیاد منی «پاکسازی فرهنگی در عراق» ترجمه: احمد مزارعی، مقدمه کتاب، به نقل از سایت الجزیره، ۱۴ ژوئن ۲۰۱۰
- جام‌جم آنلاین: ۱۳۸۲/۰۲/۰۶، تاریخ رجوع: ۱۳۹۲/۱۱/۰۶.
- جام‌جم آنلاین: ۸۲/۱/۲۶، و ۲۰۰۳، <http://www.charlesto.net> The Looting of Cultural Treasures, Charlesto Net April 2003
- جام‌جم آنلاین، صندوق ویژه یونسکو برای حمایت از میراث فرهنگی عراق، ۱۳۸۲/۰۲/۰۶، تاریخ رجوع: ۱۳۹۲/۱۱/۰۶
- سایت خبرگزاری کتاب ایران، پاکسازی فرهنگی هدف امریکا در جنگ عراق، ۲۷ دی ۱۳۸۸.
- سلیمی، جمال، هویت ملی و نظام آموزشی؛ بررسی جایگاه نظام آموزشی در تحولات هویتی، ۱۳۹۳، <http://salimi1359.blogfa.com/post-21>
- شفیعی سروستانی، اسماعیل، عراق، هدف حمله مسیحیان صهیونیست، ۲۵ آذر ۱۳۹۲، تاریخ رجوع: ۹۳/۱۱/۲۸
- <https://rasekhoon.net>
- طرح خاورمیانه بزرگ، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۳/۰۶/۱۵ - ۹۳/۰۵/۲۶ <http://www.presstv.ir/farsi/detail>
- عباسپور، رضا، اینک آخرالزمان: جنگ عراق ایده وقوع آرماگدون در آخرالزمان را تشدید می‌کند تاریخ رجوع ۹۳/۰۸/۱۷
- <http://www.aviny.com>
- عبدالله زاده، محمدعلی، طرح خاورمیانه بزرگ، ریشه‌ها و اهداف Nosazi.ir
- قانون اساسی جدید عراق، تاریخ رجوع: ۱۳۹۳/۰۵/۰۸، ۱۳۹۳/۰۹/۰۴، <http://hoghoogh.online> و sasnoor.com
- قانون اساسی موقت عراق؛ بررسی دیدگاه و منافع شیعیان عراق و تأثیرات این قانون بر منافع ملی ایران، نشست تخصصی، سایت مرکز تحقیقات استراتژیک ۱۳۸۳/۱/۲۵، تاریخ رجوع: ۸۹۳/۲۸.
- <http://www.womenrc.ir>، ۲۰ شهریور ۱۳۹۰
- <http://www.iran forum.ir/thread-8438> گزارش «مروری بر وضعیت اسفبار روسپی‌گری زنان عراقی»،
- گزارش بررسی وضعیت تخریب و غارت میراث فرهنگی عراق، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، تیرماه ۱۳۸۲.
- گزارش زتقانا حيفا به پارلمان اروپا در ژانویه ۲۰۱۴ (بهمن ۹۲) درباره وضعیت زنان در عراقی پایگاه خبری «گلوبال ریسرچ»
- اسفند ۱۳۹۲ Seratnews.ir
- گزارش فارس (سایت خبرگزاری فارس، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۹) به نقل از خبرگزاری ملی عربستان.
- گزارش کتابخانه گنگره امریکا «از بین رفتن اسناد و کتاب سوزی در کتابخانه ملی بغداد»، ۲۰۰۳
- <http://www.loc.gov/rr/amed/iraqreport/iraqreport>
- محقق سید عدنان، نقش و کارکرد فراطایف‌های مرجعیت شیعه در عراق معاصر، فصلنامه مطالعات خاور میانه «پاییز ۱۳۸۹ - شماره ۶۲: <http://www.did.ir/reader>
- محقق سید عدنان، عالی زهرا، جایگاه و نقش عشایر در تحولات سیاسی عراق، <http://did.ir/reader/?cn=16BB169>

❖ ۲۲۳ اشغال سرزمینی و پیامدهای فرهنگی آن

❖ سال شانزدهم، شماره سی و یکم، پاییز ۱۳۹۴

محمدپور، علی، فوکویاما هم اعتراف می‌کند، ۱۳۸۶، تاریخ رجوع: ۹۳/۹/۱۲ <http://www.hawzah.net>
مصفا، نسربین و شاه نوری، ندا، زنان عراقی قربانی خشونت جنسی. سایت پوش مادران مسلمان برای صلح ۹۲/۰۶/۱۵
مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). انسان کامل، تاریخ رجوع ۹۳/۱۲/۱۲ <http://library.tebyan.net>
مظفری، آیت، مسیحیت صهیونیستی و آینده جهان، مجله: حصون، تابستان ۱۳۸۶، ش ۱۲ <http://www.hawzah.net>
نخستین یادگارهای تمدن بشری در اینترنت به فروش می‌رسند. سایت خبرگزاری میراث فرهنگی، ۱۳۸۳/۰۴/۳۰ تاریخ
مراجعه: ۹۳/۱۱/۲۶

[http://did.ir/reader/?cn=NA00020032312221717212.16.84.218, 2014/1/18](http://did.ir/reader/?cn=NA00020032312221717212.16.84.218,2014/1/18)

<http://www.koksav.org.tr/ebulten/nisan2008/080429>

<http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/338240>

<http://www.vajehyab.com/farhangestan>

<http://mouood.org/component>. تاریخ مراجعه: ۹۳/۱۱/۲۶، ۱۳۹۰/۵/۱۱

<http://www.chn.ir>. ۳۰/۴/۱۳۸۳

<http://iranunesco.ir> ۱۳۹۳/۱۱/۲۵.

۵۰۰ دانشمند عراقی ترور شده‌اند ۱۳۹۰/۵/۱۱، تاریخ مراجعه: ۹۳/۱۱/۲۶ <http://mouood.org>.